

بسترها و فرصت های کنونی در روابط ایران و افغانستان

-فرزاد رمضانی بونش

پژوهشگر و کارشناس مسائل منطقه

عبداله دومین مقام ارشد دولت افغانستان است که در سال جاری به ایران سفر می‌کند. پیش از این اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان هم به ایران سفر کرده بود. در این سفر آقای عبدالله را محمد محقق معاون دوم ریاست اجرایی، محمدحنیف اتمر مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور، سیدحسین عالمی بلخی وزیر مهاجرین، همایون رسا وزیر تجارت و صنایع، عبدالباری جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ، و... ریاست اجرایی همراهی می‌کنند. در این بین از زمان تشکیل حکومت وحدت ملی این نخستین سفر رسمی رئیس اجرایی افغانستان به ایران است. در این نوشتار به بررسی نگاهی به پتانسیل ها و فرصت ها در روابط ایران و افغانستان پرداخته میشود.

پتانسیل ها و فرصت ها اقتصادی در روابط ایران و افغانستان

هر چند ایران در ردیف نخست کشورهایی است که بیشتر کالاهای آن در بازار افغانستان ارایه می‌شود و میدان رقابت برای فعالان بازرگانی ایران بالاست، اما توانمندی های اقتصادی به کار گرفته شده توسط دو کشور، متناسب با مشترکات موجود نیست؛ در صورتی که دولت مردان و فعالان اقتصادی دو کشور بر توسعه مناسبات تجاری دو سو تمایل دارند لازم است توسعه روابط اقتصادی در اولویت و هدف قرار گیرد. در این بین با توجه به الحاق افغانستان به سازمان تجارت جهانی می توان زمینه را برای امضای قرارداد تجارت آزاد بین ایران و افغانستان فراهم کرد و با توجه به رویکردهایی چون تسهیل صدور روادید برای بازرگانان دو کشور توانمندی ها و فرصت های زیادی به ویژه در عرصه اقتصادی را گسترش داد. در این بین هر چند تبادل اقتصادی ایران و افغانستان سالانه بیش از دو میلیارد دلار می باشد درصد بالای از کل واردات افغانستان از ایران است. اما میتوان به جای ورود مواد مخدر شاهد واردات کالاهای مفید و مصرفی افغانستان به ایران باشیم. براساس توافقات انجام شده توانمندی تجاری دو کشور را افزایش داد.

گذشته از این نیز باید توجه داشت که در يك دهه گذشته هند و ایران به دولت حامد کرزاي کمک هاي اقتصادي مهمي ارائه کرده اندو جزو کشورهاي معدودي هستندکه به تعهدات خود در قبال افغانستان پایبند بوده اند. دو کشور به عنوان یاور و همکار افغانستان در بازسازي زیرساخت ها از جمله بازسازي جاده ها و سایر مناطق مرزي افغانستان محسوب مي شوند. در این بین با توجه به اینکه افغانستان تلاش دارد تا از طریق بندر چابهار ایران به بازار جهانی وصل شود و تبدیل بندر چابهار به یک بندر بین‌المللی ترانزیت کالا یکی از طرح‌های مشترک ایران، هند و افغانستان است. (ایران، هند و افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی، نخستین موافقت‌نامه را برای توسعه بندر چابهار امضا کردند) اکنون دو کشور میتوانند با توجه گسترده تر در مورد نقش چابهار در ترانزیت و واردات و صادرات در اقتصاد افغانستان از یک سو به هدف کابل به کاهش وابستگی انتقال کالاهای افغانستان از مسیر پاکستان و جایگزینی برای بندر «کراچی» برسند (افغانستان تمایل دارد تا از «بندر چابهار» برای انتقال و ورود کالاهای خود استفاده کند و اکنون بیشتر کالاهای این

کشور در حال حاضر از طریق پاکستان به کشور وارد یا به کشورهای دیگر صادر می‌شود. (و از سوی دیگر نیز به نقش ایران را در ترانزیت کالا در منطقه را گسترش بسیاری دهند. این امر در حالی است که توسعه بندر چابهار از پروژه های مهم اقتصادی ایران و هند نیز بخشی از تلاش هند جهت دستیابی به بازار افغانستان و امکان جابجایی کالا از بندرهای هندی به منطقه و دور زدن پاکستان است.

نگاهی به پتانسیل ها و فرصت های امنیتی و سیاسی در روابط ایران و افغانستان

افزایش حضور داعش در افغانستان، تعمیق و گسترش همکاری های امنیتی دو کشور را اجتناب ناپذیر کرده است. در این بین با توجه به شکست های سنگین داعش در عراق و سرکوب شدید این گروه در سوریه، انتظار می رود برخی نیروهای داعش، به افغانستان سرازیر شوند. در این حال هر چند داعش استان «ننگرهار» در شرق افغانستان را به عنوان محل فعالیت اصلی خود در این کشور انتخاب کرده است، اما در استان های جنوبی مانند زابل و نیمروز همجوار با مرزهای ایران هم مشاهده شده اند و بنابراین همکاری های امنیتی دو کشور در روابط دوجانبه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار خواهد بود. در این میان برای مقابله با گروه نوظهور داعش می توان گروه و شاخه های از طالبان را به پای مذاکرات صلحی واقعی کشاند و یا با پا درمیانی ایران در گفتگوهای صلح افغانستان با طالبان و از آنان در جهت مقابل با داعش بهره برد. در بعد دیگر ایران از تجربه بزرگ در بخش مبارزه با مواد مخدر برخوردار است. تجربه ایران در این بخش می تواند برای افغانستان مفید باشد. ایران یکی از مسیرهای بزرگ برای ترانزیت مواد مخدر است. در این بین وجود حدود ۹۵۰ کیلومتر مرز مشترک بین ایران و افغانستان، پیشینه تمدنی زبانی و فرهنگی، کشت و تجارت بخش عمده مواد مخدر در همسایه شرقی و وجود ناآرامی های متعدد قومی و سیاسی و پیامدهای متعدد سیاسی – امنیتی برای ایران داشته و از این روی اهمیت این کشور را به لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو چندان کرده است. لذا تهدیدهایی چون کشت فراوان مواد مخدر در افغانستان و صدور و ترانزیت آن از طریق مرزهای ایران دو کشور را به همکاری و می دارد. در بعد دیگری مسائل و موضوعات مهمی مانند چگونگی برقراری امنیت و ثبات پایدار در منطقه، تلاش جمعی برای مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر از مهمترین محورهایی است که با همدلی و اتحاد دو کشور محقق خواهد شد.

در بعد دیگری حکومت وحدت ملی در ماه های اخیر تلاش کرده است، تا به همگرایی منطقه ای توجه بیشتر داشته باشد. این رویکرد نشان از توجه ویژه افغانستان به همکاری های منطقه ای دارد. چنانچه اکنون هر چند کشور افغانستان به شدت به کمک های خارجی وابسته است و کشورهای غربی و عربی بسیاری چندان نگاه مثبتی به حضور و گسترش روابط ایران و افغانستان ندارند و یا برخی گروه ها نوعی مواضع ضد ایرانی داشته و چالش هایی چون اختلاف بر سر حضور خارجی ها و چالش بر سر مسئله تقسیم آب رودهای مرزی به ویژه هیرمند و هریرود وجود داشته است، اما باید گفت الزام های استراتژیک دو کشور را به همکاری همیشگی فرا می خواند. در این میان دو کشور میتوانند با در نظر داشت مولفه هایی چون کم آبی در هیرمند و عدم اجرای مصوبه های قبلی به توافقاتی نو در این حوزه برسند. گذشته از این نیز اکنون ایران یکی از کشورهای مهاجرین افغانستانی را در خود جا داده و بحث اختلاف دیدگاه در مورد نگاه مهاجرین افغانستان از دیرزمانی است که بدون حل باقی مانده است. در این میان با توجه

به جنگ در افغانستان و فقر گسترده و توانایی و چالش ها و هزینه های ایران می توان با رایزنی هایی و انجام مصوبات و رویکردهای دقیق تر این امر را قانونمندتر کرد و به ملاحظات دو کشور نیز توجه نمود.

نگاهی به پتانسیل ها و فرصت های فرهنگی در روابط ایران و افغانستان

پیوندهای مشترک فرهنگی و تمدنی کشور افغانستان با ایران و روابط کهن تاریخی و فرهنگی، بر اهمیت ژئوکالچر افغانستان برای ایران اشاره دارد. در همین راستا می توان افغانستان را ادامه فرهنگی ایران دانست. چرا که به لحاظ فرهنگی، ایران هیچ جایگزینی در افغانستان ندارد و هیچکس نمی تواند جای خالی فرهنگی ایران در این کشور را پر نماید. در این بین می توان با توجه دقیق تر و تاکید بر ارزش های مشترک فرهنگی دور نوبی از همکاری ها را آغاز کرد. این امر توانمندیهایی را ایجاد و به تقویت و رونق مناسبات فرهنگی رهنمون میکند. علاوه بر این دو کشور می توانند با تقویت دیپلماسی فرهنگی رویکردهایی چون شناسایی و معرفی میراث فرهنگی و تمدنی مشترک و تلاش برای ثبت جهانی، چاپ و انتشار مجله های علمی، تقویت همکاری بین دانشگاه ها، فرهنگستان های زبان و ادبیات، بنیان فرهنگستان علوم مشترک و توجه به ارزشهای مشترک کمک شایانی به همگرایی فرهنگی و سپس سیاسی و اقتصادی کنند.